

مبانی فرهنگی مدیریت پسماند در فرهنگ ایرانی

دکتر محمد نقی زاده^۱

چکیده

علی‌رغم آنکه در بسیاری موارد پایه‌گذاران آرای جدید با بیان مختصات نظریات خویش و همچنین پیشنهاد کردن راههای تجلی آنها، سعی در القاء وجود الگویی واحد (که متضمن گسترش آراء و جهان‌بینی آنها نیز باشد) را دارند، با توجه به اختلافات و تفاوت‌هایی که بین اصول و ارزش‌ها، دین، فرهنگ، هنر و شرایط محیطی و اقلیمی و مختصات جغرافیایی و امکانات فنی و اقتصادی و به طور خلاصه بین جهان‌بینی و روش زیست ملل و جوامع و حتی خرده‌فرهنگ‌ها و مجتمع‌های زیستی مختلف وجود دارد، هر ملت و جامعه‌ای بایستی بتواند تعریفی ملی و بومی از عناوین آراء جدید و شیوه‌های نو در دست داشته باشد. وجود این تعاریف عاملی در جهت استقلال، هویت و خودکفایی و اعتماد به نفس جامعه شده و پویایی و تکامل فرهنگی آنها را تقویت نموده و حتی (در صورت ارائه کارنامه مناسب) عامل بسط و گسترش جهان‌بینی، فرهنگ جامعه و شکوفایی علم و اقتصاد خواهد شد. مقاله حاضر پس از ذکر مقدمه‌ای، موضوعات مورد نظرش را تحت عناوین "مقدمه"، "سابقه تاریخی"، "عوامل فرهنگی"، "مبانی فعالیت‌های انسان در زمین" و نهایتاً "نتیجه‌گیری" مورد بحث قرار خواهد داد. علت اصلی این توجه نیز به این دلیل بوده است که غفلت از جنبه‌های معنوی و فرهنگی حیات انسان، در بسیاری از موارد و حتی در زمینه‌های مادی و فنی مشکلاتی را برای انسان به موضوعات مادی را به وقتی دیگر موکول می‌نماید.

واژگان کلیدی: پسماند، فرهنگ، فرهنگ ایرانی، روش زیست، توسعه پایدار، مدیریت، آموزش

۱- عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

یکی از انگیزه‌های اصلی نگارش این مقاله، متذکر ساختن دست‌اندرکاران زمینه‌های مختلف شهری به ویژه مدیریت شهری به اهمیت موضوعات فرهنگی به عنوان مبنا و هدایت‌گر طرح‌ها و برنامه‌هاست.^۱ این توجه از آن جهت اهمیت دارد که اولاً به ظهور و تقویت اعتماد به نفس جامعه و رشد این باور که «موضوع مورد نظر» ابداع خاص بیگانگان نبوده و ریشه‌های بومی نیز دارد منجر می‌شود. ثانیاً به بومی کردن دانش که موضوع مورد توجه آراء جدید (و از جمله توسعه‌پایدار) نیز هست منتهی خواهد شد. ثالثاً فراتر از ایده توسعه پایدار، به تفسیر و ارائه نسخه‌ای ایرانی از توسعه پایدار که از این نظریه نیز بسیار پیشرفته‌تر است منجر خواهد شد. رابعاً امکان همکاری جامعه با آموزش و یادآوری اصول و ارزشهای فرهنگی فراهم می‌شود. رابعاً دست‌اندرکاران و مدیران و مهندسين، به یافتن راهها و اتخاذ روشهای بومی ترغیب خواهند شد و به این ترتیب پرداختن به مبانی فرهنگی و انسانی جملگی برنامه‌ها و طرحها، و حتی آنهایی که ظاهری فنی و تکنیکی نیز دارند ضرورت می‌یابد.

یکی از توصیه‌هایی که امروزه به طرق مختلف و از جمله از سوی مروجین و مبلغین توسعه پایدار مطرح می‌شود، بوم‌آوری یا تکیه بر استفاده از آراء، نظریه‌ها، فناوری، مصالح و روشهای بومی برای توسعه یا به عبارت بهتر برای اداره فعالیت‌های جامعه است. این اصل که می‌توان محاسنی را برای آن برشمرد از اصولی است که در شکل‌گیری مجتمعهایی زیستی ایرانیان از قدیم‌الایام نقشی ارزنده ایفا نموده است، تا جایی که مرحوم پیرنیا با تعبیر «خودبسندگی» آن را به عنوان یکی از اصول پنجگانه معماری ایرانی معرفی می‌نماید (ر.ک: پیرنیا، ۱۳۶۹). این امر مهم از هنگامی که غرب به عنوان الگوی جامعه ایده‌آل و هدف فعالیت‌های جوامع برگزیده شد و متعاقب ترویج تکرار و تقلید از فناوری و مصالح و روشهای ساخت و شیوه زیست آنها، مورد غفلت قرار گرفت و به مرور کاملاً منتفی گردید. تا جایی که امروزه شکافی عمیق بین وضع موجود و گذشته به وجود آمده است. شکافی که پرکردن آن نیازمند رستن از بند از خودبیگانگی و باور به خویش بوده، عزم و همتی ملی طلب می‌نماید. اکنون مشخص شده است که استفاده از فناوری نامتناسب با محیط و فرهنگ جوامع، موجب تخریب محیط و بروز مشکلات فرهنگی و انسانی گردیده و علاوه بر آن به دلیل تفاوت شرایط محیطی و اقلیمی کشورهای مبدع بسیاری از ابزار با محل استفاده از آنها، کارایی و بهره‌وری ابزار نیز تقلیل یافته است. به همین دلیل است که می‌توان استفاده از فناوری بومی، و بومی کردن فناوری وارداتی را به طور جدی توصیه نمود.

۱- برای مطالعه در مورد اهمیت مباحث فرهنگی و جایگاه آنها در علوم و علوم مهندسی، ر.ک: نقی‌زاده، زیر چاپ ۱۳۸۰.

۲- در مورد اهمیت فناوری و تجارب بومی در توسعه پایدار، ر.ک: Naghizadeh, 2001b & Naghizadeh, 2001a.

تقلید از الگوی بیگانه در بسیاری موارد ناآگاهانه و حاصل نگرشی بوده است که آنها را به مثابه معیار و شاخص و نماد پیشرفت و توسعه علمی و صنعتی جامعه قلمداد نموده است. این در حالی است که بسیاری متفکرین قائل بر استوار بودن حتی تکنولوژی بر جهان‌بینی و تفکری خاص بوده‌اند (ر.ک: اعوانی، ۱۳۷۵، گلشنی، ۱۳۷۷، نقی‌زاده، زیرچاپ). و به این ترتیب، این باور وجود دارد که تکنولوژی، ناشر و مروج آن جهان‌بینی و تفکری در میان جوامع استفاده کننده بوده است، که او را شکل داده‌اند و در پاسخ به سوالات آنها به وجود آمده است. بدیهی‌ترین تبعات این گونه از تقلید، دگرگونی در رفتارهای فردی و جمعی، نگرش به مبدع اصلی الگوها به عنوان جامعه‌ای فرادست، پذیرش هویت بیگانه و اهتمام در همسویی با آن، تحولات بطئی در فرمها و ارزشهای فرهنگی، و نهایتاً استحاله ارزشهای فرهنگی و شیوه زیست است. به تبع اصل و وظیفه اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن و همچنین آنچه در بحث عدالت مطرح است (ر.ک: امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱)، حفظ تعادل‌های طبیعی، پیش‌بینی برنامه‌های کنترل محیطی برای همه طرح‌ها و برنامه‌های شهری، و پیش‌گیری از تخریب محیط از مختصات است که در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری و محیطی و به منظور فراهم آوردن فضا و محیطی مناسب زیست انسان باید مورد توجه جدی قرار گیرند. این توجه، در واقع، احتراز از فساد در زمین است، که تعالیم اسلامی به شدت آن را نفی و نهی می‌نماید، و دست‌اندرکاران را به ارزیابی جدی طرح‌ها و برنامه‌های شهری و به سمت کنترل مداوم طرح‌ها فرامی‌خواند، تا فعالیتها از مسیر اصلاح و عمران زمین منحرف و به سمت فساد در زمین گرایش نیابند. لازم به ذکر است که یکی از مهمترین وسایل این ارزیابی، معیارهای ارزیابی است که نه تنها در ارزیابی نتایج حاصله از اجرای برنامه‌ها کاربرد دارند، بلکه در تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها و مقایسه آراء و نظرات مختلف با یکدیگر نیز کاربرد مؤثری خواهند داشت. در تهیه این معیارها نیز توجه به فرهنگ جامعه و ارزشهای حاکم بر آن که از جهان‌بینی اسلامی منبعث شده باشند ضرورت دارد.^۱ تهیه این معیارها جامعه را از آسیب‌هایی که در اثر به کار بردن معیارهای بیگانه برای برنامه‌های کشور بر آن وارد می‌شود مصون خواهد داشت.

۱- در مورد معیارها و روش تهیه آنها برای جامعه اسلامی، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۵

سابقه تاریخی

انسان معاصر با پی بردن به اشتباهات خویش در رابطه با موضوعات گوناگونی همچون بهره‌گیری از منابع طبیعی، چگونگی برخورد با طبیعت، روند توسعه‌های شهری، ویژگیهای محیط زندگی انسان، ارتباط انسان با طبیعت و محیط مصنوع، ارتباط انسان با ساخته‌های خویش، رابطه انسانها با یکدیگر و بسیاری موارد دیگر که جملگی ناشی از جهان‌بینی و تفکر غالب بر جوامع مدرن بوده است،^۱ دست به اصلاحاتی زده است. این اصلاحات که در قالب نظریه‌های جدید در مقولات مختلف از قبیل "توسعه پایدار"، "شهر سالم"، "حفاظت از محیط زیست" و امثال آن مطرح می‌شوند، غالباً بر مبنای همان جهان‌بینی رایج و تنها برای رهایی از مشکلات و مصائب و مسائل مبتلا به مطرح می‌شوند. این موضوعات، موضوعاتی هستند که برای اصلاح وضع حاضر محیط زندگی انسان معاصر و آیندگان مطرح شده و می‌توانند ناظر به تقریباً جمیع موضوعاتی باشند که به نوعی با حیات اجتماعی و فردی انسان در ارتباط هستند. بدون دخول در وجه تسمیه این موضوعات، قابل ذکر است که بنا بر اصول توسعه پایدار رایج، توجه به موضوعات بومی یکی از مقولاتی است که باید به آن توجه کرد. از سوی دیگر جوامعی با دین، اقلیم، فرهنگ و جهان‌بینی مختلف روشهای گوناگون و متنوعی را برای روش حیات خویش برگزیده‌اند. و اینک سخن در این است که جامعه ایرانی با اقلیمی متفاوت، با فرهنگی خاص و البته بسیار غنی و قابل‌اتکا و مباحثات، با سابقه‌ای طولانی در تمدن، با الگو بودن و الگو داشتن در بسیاری مقولات همچون معماری، هنر تماش و بهره‌گیری از طبیعت، در مواجهه با آرای وارداتی از سایر ممالک باید به معیارهایی مجهز باشد که ضمن استفاده از آنها که به هر حال به عنوان میراثی بشری مطرح هستند، سعی در استحالة آنها به نسخه‌های ایرانی و ملی بنماید، تا در کنار استفاده از محسنات آنها، از مضارشان نیز در امان بماند.

در طول تاریخ (به استثنای دوران معاصر) ایرانیان با الهام از مبانی جهان‌بینی و فرهنگ خویش روشهایی از زندگی و از جمله ارتباط با محیط زندگی و مدیریت شهر و فعالیت‌های انسانی را اتخاذ نموده‌اند که در عین حال که جلوه بارزی از نگرش آنها به زندگی و عالم وجود را به نمایش می‌گذارد، بسیار متعالی‌تر و پیشرفته‌تر از آن چیزی بوده است که انسان معاصر تحت عناوین متفاوتی همچون "توسعه پایدار" مطرح می‌کند و در پی تحصیل آن است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴ و همو، ۱۳۸۵). در این زمینه مباحث متنوع و متعددی قابل طرح هستند که در این مجال تنها به بحث مدیریت پسماند - به عنوان یکی از موضوعات روز- اشاره خواهد شد. در این مقوله نیز موضوع اصلی مورد نظر، مبانی و معیارهای فرهنگی مؤثر بر مدیریت پسماند و نمونه‌های ایرانی آن است. غفلت از این موضوع اشکالات عدیده‌ای در پی دارد که از جمله مهمترین آنها عبارتند از: جدیدالولاده پنداشتن موضوع و بیگانگان را مبدع آن دانستن، احساس حقارت و نیاز در برابر بیگانه و عدم همکاری جامعه با برنامه‌ریزان و مدیران. از میان همه این موضوعات، مبانی فرهنگی و نمونه‌های این موضوع، مرکز توجه اصلی خواهد بود.

- برای مطالعه در زمینه مشکلات جهان معاصر، ناشی از نگرش نادرست به طبیعت، ر.ک: نصر، ۱۳۷۷-۸

عوامل فرهنگی

ایران به عنوان یکی از بانیان و مبدعان زندگی و تماس مسالمت‌آمیز با طبیعت، به دلایلی که اکنون جای بحث آن نیست، روشهای قبلی را به کناری نهاده و در تماس مسرفانه با طبیعت و محیط زیست به جامعه‌ای تبدیل شده است که نه تنها مقدار زیادی زباله تولید می‌کند بلکه فراتر از آن بدون توجه به عواقب آن، آنها را در طبیعت تخلیه می‌کند. علاوه بر مباحث فنی، تحولات فرهنگی یکی از اصلی‌ترین ارکان این دگرگونی است که ذیلاً برخی ویژگیهای فرهنگ ایرانی به اجمال معرفی می‌شوند:

فرهنگ ایرانی که یکی از ارکان آن تعالیم قرآنی است با بیان مجموعه‌ای از اصول، نحوه بهره‌گیری از منابع طبیعی را به صورت ارزشهایی برای زندگی بیان می‌کند. این ارزشها راه بهره‌برداری از منابع طبیعی و مصرف و نحوه برخورد و ارتباط با طبیعت را نیز می‌نمایانند. ارزشهایی مثل "کمال‌جویی"، "اجتناب از اسراف"، "رعایت اعتدال"، "اصلاح زمین"، "اجتناب از بطلالت و بیهودگی در زمین"، "قناعت" و امثال آن مشخص می‌کنند که هر گونه ارتباط با طبیعت و استفاده از منابع بایستی منجر به کمال و اصلاح شده و از هر گونه فساد و اسراف و تباهی و بیهودگی بری باشد. در عین حال، استفاده از منابع بایستی بر مبنای "میزان" و "اندازه" و "مقدار" و "حساب" معین (برنامه و طرح) باشد. به این ترتیب، احتراز از اسراف و بطلالت، استفاده از مصالح بومی، انتخاب رنگ و اشکال مناسب، توجه به نوع و روش بهره‌گیری از منابع طبیعی، انتخاب منابع انرژی مناسب، کمال‌جویی انسان و کمال‌بخشی به ماده، عدم تخریب طبیعت، رعایت پاکي و سلامت، عدم آلودن طبیعت و بسیاری ویژگیهای دیگر را می‌توان مشخصه‌های اصلی فرهنگ ایرانی در رابطه با محیط زندگی و روش زیست دانست. خلاصه چگونگی تأثیر برخی از این ارزشهای فرهنگی بر رابطه انسان با طبیعت و مصرف منابع به شرح زیر است:

اصلاحگری در زمین و احتراز از تباهی: اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن را می‌توان به عنوان محمل فعالیت‌های انسانی و جامع ارزش‌هایی که بایستی مد نظر قرار گیرند مطرح نمود. این دو زمینه که در واقع دو روی یک سکه هستند، جایگاه خاصی در تعالیم اسلامی داشته و ناظر بر جملگی اعمال و فعالیت‌های انسانی هستند. به همان اندازه که اصلاح امری پسندیده است، فساد در زمین امری مطرود و مذموم است که باید از آن اجتناب شود. گرایش به اصلاح یا تمایل به فساد در زمین، در واقع تجلی و نمایش دو گونه طرز تفکر و جهان‌بینی است که مبنای اولی توحید و سرچشمه دومی شرک است. زیرا "اصلاح" جلوه تعادل، توازن، وحدت، رحمت و جمال است، و فساد جلوه ظلم، عدم تعادل، تفرقه، تجزیه و پلیدی است. تعالیم اسلامی عمل صالح را پس از ایمان از مصادیق رستگاری معرفی می‌نماید (تین: ۵ و عصر: ۲ و ۳). بنابراین می‌توان گفت وظیفه مهم انسان در زمین "اصلاح" و اجتناب از "فساد" است. و به تبع این نقش، شهر نیز که یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها و اثرات انسان در زمین است بایستی صبغه‌ای از اصلاح داشته و عاری از هرگونه فساد و فساد

انگیزی باشد. به عبارت دیگر، در مورد محیط شهری نیز این مورد باید دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد؛ به نحوی که توسعه‌ها و فعالیتهای شهری آسیبی به انسان و ارزشهای او، به طبیعت به عنوان محل زندگی انسان، و به وضع موجود (و مناسب) شهرها وارد نیاورد. درواقع، سخن در این است که برآیند محسنات و اشکالات احتمالی طرحها (یا به طور دقیق‌تر تغییراتی که در محیط به وجود می‌آید) نباید به ضرر انسان (به طور عام) و جنبه‌های معنوی حیات او و به نفع عده‌ای خاص و یا فقط در جهت ارضاء جنبه‌های مادی حیات او باشند. بنابراین می‌گوییم شهر مسلمانان، شهر اصلاح است. چرا که مسلمین بر این باورند که انتخاب هر راهی به جز اصلاح سبب هلاکشان خواهد بود.

عمران و آبادانی زمین: اگر "اصلاح در زمین" به عنوان کلیتی جامع تلقی شود که می‌تواند جملگی فعالیت‌های انسان را در خویش جای داده و آن را جهت دهد، عمران و آبادی زمین نیز جنبه‌ای از آن خواهد بود. قرآن کریم در مورد این وظیفه انسان می‌فرماید: *"و شما را از خاک آفرید و شما را به ساختن و آبادی زمین گمارد"* (هود: ۶۱). این توجه، در واقع، احتراز از فساد در زمین است، که تعالیم اسلامی فساد را به شدت نفی و نهی می‌نماید و در نتیجه می‌توان در قالب اصلاحگری و اجتناب از فساد، عمران در زمین را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین وظایف انسان در زمین مطرح نمود، که به تبع اهتمام در آبادی، تخریب زمین و طبیعت امری مذموم است.

بوم‌آوری: بوم‌آوری در واقع تفسیر و تأویل استقلال و خودکفایی و احتراز از تشبّه به بیگانه است که مسلمانان به آن توصیه شده‌اند. امروزه اهمیت صنایع و توانائیها و فناوری و نیروی انسانی و تخصصها و روشهای بومی، بر متفکران و تصمیم‌گیران آشکارتر شده و به عنوان یکی از اصول توسعه پایدار شناخته می‌شود. مروری اجمالی بر ادبیات موجود نشان می‌دهد که این امر که درواقع به تمرکز بر خودکفایی تأکید می‌ورزد مورد توجه شارع مقدّس نیز بوده است. چنانکه در حدیث آمده است: *"خداوند به یکی از پیامبران وحی نمود، که به مؤمنان بگو: پوشاک دشمنان مرا نپوشید، و خوراک آنان را نخورید، و راه و رسم آنان را در پیش نگیرید، که اگر چنین کنید همچون دشمنان من دشمن من خواهید شد."*

توجه به شأن و مقام انسان: هرچند تفکر انسان‌گرایانه رشدیافته پس از رنسانس، بر انسان و اهمیت او تأکید می‌نماید، باید توجه کرد که انسان‌گرایی موصوف با اهمیتی که تفکرات و تعالیم الهی برای اهمیت و مقام و شأن انسان مطرح می‌نمایند، کاملاً متفاوت و حتی متضاد است. بنیاد این تفاوت در بسیاری زمینه‌ها از جمله باور به خدا، توجه بر رابطه انسان و خالق هستی، رابطه انسان و طبیعت و به عبارتی نسبت این دو مقوله با یکدیگر، و رابطه انسان با ماوراءالطبیعه قابل شناسایی هستند (لقمان: ۲۰، جاثیه: ۱۳، ص: ۷۲، فاطر: ۳۹، بقره: ۳۴ و نحل: ۱۲). در واقع، انسان‌گرایی معاصر ضمن محدود شدن بر جنبه دنیوی حیات انسان، و غفلت از جنبه معنوی و روحانی حیات، و با مطلق‌النعان دانستن وی، یکی از

مهمترین عوامل بر هم زدن تعادل موجود در طبیعت بوده است. مسائل مربوط به انسان که پرداختن به آن ضرورت هر پژوهشی است، بحثی بسیار گسترده است که غور در آن و روشن نمودن همه زوایای آن از حوصله این مقاله خارج است لکن باید توجه داشت که در هر جامعه و تمدنی، تا اهداف حیات انسان و آرمانهای او تعریف و تبیین نشوند، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها راه به جایی نخواهند برد.

کمال‌جویی: آنچه به عنوان حاصل حرکت در عالم وجود و برای عناصر و اجزاء و کل جهان، از نظر حکما و فلاسفه الهی مطرح است، کمال، و به عبارتی رو به کمال بودن و کمال‌جویی جهان است. هرچند جهان، خود بنا به اصول تکوینی به سمت کمال می‌رود، ولی انسان می‌تواند با تغییر در شتاب و یا نوع این کمال‌جویی در مواد و طبیعت پیرامون خویش توان محیط را برای کمال خویش تغییر دهد. ضمن اینکه این روش می‌تواند به وصول انسان به کمال نیز یاری رساند. نقش انسان در کمال بخشیدن به ماده بخصوص در تفکر الهی امری بنیادین در فعالیتهای انسانی است، به گونه‌ای که برای مثال هنر به عنوان شرافت بخشیدن به ماده معرفی می‌شود. در این مقوله، احتراز از تولید حدّ اقلّ زباله، عدم تخلیه آن در طبیعت و بازتولید و بازیافت آن از اصلی‌ترین زمینه‌هایی هستند که باید نظر جامعه اسلامی را به آن معطوف کرد.

آینده‌نگری: مراد از آینده‌نگری در این بحث عبارت از توجه به برنامه‌ریزی و ملحوظ داشتن قوانین حاکم بر عالم وجود است. در واقع، این امر مهم را باید مرعی داشت که جهان قانونمند است و هر گونه تخطی از قوانین آن موجب خسران و زیان معنوی و مادی خواهد شد. بنابراین، علاوه بر آینده‌نگری و حرکت بر مبنای برنامه، پیشرفت برنامه نیز مداوماً بایستی مورد ارزیابی قرار گرفته و ضمن تصحیح انحرافات احتمالی، نکات مثبت تقویت و نکات منفی حذف شوند. علی‌ای‌حال، یکی از موارد مهم در این مقوله عبارت از ارائه تفسیر اصول مورد نظر با توجه به شرایط زمان و مکان و فناوری در دسترس است که به این ترتیب وجود الگویی واحد و لایتغیر برای همه زمانها و برای همه مکانها منتفی خواهد بود.

قناعت: قناعت به عنوان صفتی مطرح است که نه تنها زمینه‌ساز استفاده بهینه از مواهب طبیعی و اجتناب از اسراف و تبذیر و تولید حداقل زباله و آلودگی است، بلکه زمینه‌ساز عزّت انسان نیز است. قناعت به معنای مطلوب‌ترین درجه بهره‌گیری از منابع در دسترس، و یا مدیریت زندگی فردی و اجتماعی بر پایه امکانات در اختیار و بدون اسراف و تبذیر و احساس حقارت و کوچکی در برابر دیگران است. قناعت و عزّت در واقع مبتن و مروج هویت و شخصیت خاص فرد و جامعه هستند. هویتی که تحمیلی نبوده و واجد خویش را به مباحثات هدایت نموده و حتی سایرین را نسبت به آن خاضع می‌گرداند.

به منظور احتراز از اطاله کلام، به ذکر موضوعات فوق بسنده شده و یادآور می‌شود که بسیاری اصول دیگر همچون تعادل، توازن، پرهیز از زیاده‌روی، احتراز از بیهودگی، شکر، هویت، حقوق طبیعت بر انسان، حقوق جامعه بر انسان، و امثال آن نیز قابل بحث هستند^۱ که مطالعه در مورد آنها به منابع ذی‌ربط ارجاع داده می‌شود (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۵).

مبانی فعالیت‌های انسان در زمین

با عنایت به اینکه بحث مدیریت پسماندها در جامعه‌ای با فرهنگ خاص (ایران) مطرح است، و با توجه به اینکه در این فرهنگ مباحثی فراتر از ظواهر موضوعات، یعنی «استکمال» و کمال‌جویی، سابقه‌ای طولانی دارد، یکی از اصلی‌ترین ابزار اجرای غالب برنامه‌ها و طرح‌ها شناسایی تعاریف و به تبع آن روش‌ها و امکانات ملی است. هرچند با عنایت به جملگی عوامل همچون فرهنگ (و خرده‌فرهنگ‌ها)، شرایط اقلیمی، محیطی و جغرافیایی، شرایط اقتصادی، امکانات در دسترس، فناوری روز و بومی، جمعیت، سواد و سایر شرایط اجتماعی، برای هر کشور و منطقه و شهری باید برنامه و طرح خاص خود را تهیه کرد، لکن می‌توان برخی اصول را نیز به عنوان اصول عام مطرح نمود.

الهام از طبیعت: توجه به طبیعت و یا به عبارت بهتر الهام از عالم وجود یکی از مهمترین منابع شناسایی اصول و مبانی همه فعالیت‌های انسانی است. خالق عالم برای حیات و تداوم جهان هستی اصولی را مقرر داشته است که به عنوان ضامن بقای جهان ایفای نقش می‌نمایند. جالب است که بسیاری از آراء و نظرات وقتی مطرح می‌شوند که جامعه انسانی با غفلت از این اصول، به روند اعمال این اصول، بر محیط خدشه وارد نموده و در نتیجه باعث بروز صدماتی بر طبیعت گردیده است که این صدمات نیز به نوبه خود حیات انسان را به خصوص از نظر کیفی (و حتی کمی) با خطر مواجه نموده‌اند.

تعالیم اسلامی انسان را به تفکر در عالم هستی و مذاقه در نحوه عمل و ارتباط اجزاء آن با یکدیگر و همچنین تفقه و تدبر و تعقل در چگونگی خلقت و غایت آنها دعوت نموده است.^۲ اگر چه حاصل غایی این توجه و تفکر، معطوف به شناخت خالق و اثبات وحدانیت او و همچنین سایر اصول اساسی اسلام همچون معاد است، لکن همان‌گونه که بسیاری از علما و دانشمندان مسلمان از این راه رفته‌اند، نتایج دیگری نیز بر آن مترتب است.^۳ یکی از مهمترین این نتایج عبارت از شناسایی اصول و معیارهای ضروری برای ایجاد یک مجموعه است. چرا که برای بشریت امروز این امر ثابت‌شده‌ای است که هر گونه ناهماهنگی با نظامی که حتی بر طبیعت و اقلیم یک منطقه محدود حاکم است، موجب اختلال در محیط و

۱- (بقره: ۳۴، نساء: ۱۹، مائده: ۸، مؤمنون: ۳، اعراف: ۳۱، فرقان: ۲ و ۶۷، لقمان: ۱۹، حجر: ۱۹ و ۸۵، قصص: ۵۹، یونس: ۵ و ۸۳، هود: ۱۱۶، رحمن: ۹-۷، شعراء: ۱۵۱-۲، انبیاء: ۱۶، ص: ۲۷ و ۷۲، فاطر: ۳۹، نحل: ۱۲، لقمان: ۲۰).

۲- آل‌عمران: ۱۹۱، انعام: ۶۵ و ۹۸، بقره: ۷۳ و ۲۴۲ و بسیاری آیات دیگر، همچنین ر.ک: [امام] جعفر صادق، ۱۳۵۹ و طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۰.

۳- در مورد توجه دانشمندان مسلمان به بهره‌گیری از اصول حاکم بر عالم هستی به عنوان منبع الهام ر.ک: مطهری، ۱۳۶۷ و نصر، ۱۳۵۹. همچنین در مورد علم دوستی مسلمین ر.ک: داوری اردکانی، ۱۳۷۸.

بروز خساراتی خواهد شد که مجموعه‌های بزرگتر و زندگی انسان را نیز تحت تأثیر خویش قرار خواهد داد. با این حال، با ارجاع مطالعه موضوع به منابع و مراجعی که به لزوم شناسایی قوانین حاکم بر عالم وجود و هماهنگی با آنها می‌پردازند (نقی زاده، ۱۳۸۴)، به معرفی اجمالی یکی از این اصول بسنده شده است. این اصل که امروزه تحت عنوان بازیافت مطرح است، در عالم طبیعت با مفهوم "تطهیر" مطابق و مترادف است. انسان از قدیم‌الایام شاهد بوده است که طبیعت با استحاله و تطهیر پلیدترین و پست‌ترین چیزها، آنها را به موادی پاک و مفید و قابل مصرف تبدیل می‌کرده است.

تعادل: به تبعیت از اصل عدل که تسلط و حاکمیت آن بر عالم وجود مورد تأکید قرار گرفته و به صورت "تعادل" و یا تجلی مجموعه‌ای متعادل ظاهر شده است، مجتمعه‌های انسانی نیز باید ضمن هماهنگی با این تعادل، خود نیز تعادلی را به نمایش گذارده و نه تنها به تعادل موجود در جهان خدش‌های وارد نیاورند، بلکه در جهت رشد و کمال تعادل موجود نیز عمل نمایند. عدل، اگر نگوئیم اساسی‌ترین، یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌ها برای جوامع اسلامی و مسلمین است. عدالت تنها به عدالت قضایی و اجتماعی منحصر و محدود نشده و قابل تعمیم در همه فعالیت‌های انسانی است، چنانکه گفته‌اند: عدل عبارتست از قرار دادن هر جزء و عنصر در جایی که بهتر از آن مکان جایی برایش متصور نباشد. علامه طباطبایی به نقل از تفسیر کشاف می‌فرماید: "راسته‌ترین مکانها آنجاست که در آن عدالت باشد و از آن آبادتر نخواهی یافت" (طباطبایی ج ۳۴، ۱۳۶۱، ص ۱۴۹).

ظلم چه بود وضع در ناموضعش

عدل چه بود وضع اندر موضعش

ظلم چه بود آب دادن خار را

عدل چه بود آب ده اشجار را

(مولوی)

توجه به نیازهای انسان: برای انسان، هماهنگی با مراتب سه‌گانه وجودش بدن، نفس و روح، سه نوع نیاز می‌تواند مطرح شود که عبارت از نیازهای مادی، روانی و معنوی هستند. پاسخگویی به این نیازها مراتب و ابزار متفاوت و خاص خویش را طلب می‌نماید که هر چه از مادیت به سمت معنویت می‌رود اولاً از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد، ثانیاً وسایل و ابزار مربوطه پیچیدگی بیشتری می‌یابند. علی‌رغم این نیازها آنچه دنیای صنعتی امروز به آن متوجه است، در وهله اول و وجه غالب، پاسخگویی به نیازهای مادی انسان است که به جهت طبیعت مادی جوامع، حالت تهییج و تحریک و مصرف‌گرایی به خود گرفته است. در مرحله بعدی نیازهای مربوط به حوزه نفس است که به آن نیازهای روانی اطلاق می‌کنیم. این نیازها همچون آزادی، عدالت، راستی و ... است که البته در جوامع مختلف با توجه به جهان‌بینی مورد قبول آنها معانی متفاوتی به خود می‌گیرند. آنچه حداقل توجه به آن معطوف است نیازهای روحانی و معنوی انسان است که درواقع بیانگر لزوم ارتباط و اتصال او به وجودی والا و ازلی و ابدی و لایتناهی است. همین نیاز است که حیات انسان را معنادار و

هدفمند می‌نماید. هویت انسانی او را کاملاً برجسته می‌کند، به سایر نیازها و اعمال مرتبط با آنها صبغه معنوی می‌بخشد، و انسان را از سایر موجودات کاملاً متمایز می‌نماید. برخی از اصلی‌ترین نیازهای انسان که محیط نیز می‌تواند در مرتفع نمودنشان ایفای نقش کند عبارتند از:

- امنیت: موضوع امنیت از موضوعات مهمی است که از جهات مختلف مورد توجه جوامع و انسانها و مدیریتهاست. یکی از اصلی‌ترین وجوه امنیت که به ویژه در دهه‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، امنیت محیطی است، که در قالب آن بسیاری موضوعات مرتبط با حیات فیزیولوژیکی انسان و عناصر محیط زیست (جانوران و گیاهان و اکوسیستمها) از قبیل آلودگیها و حفاظتها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در عین حال، یکی از مراتب این نوع امنیت و به طور عام یکی از مراتب هر موضوعی، وجه فرهنگی و روانی آن است، که البته معمولاً نیز مغفول می‌ماند. به عبارت دیگر، امنیت فرهنگی جامعه از مباحث بنیادینی است که توجه به آن ضرورت جملگی فعالیت‌های انسانی و از جمله موضوعات شهری است.

- تکریم انسان: طبق تعالیم اسلام اولاً انسان به عنوان اشرف مخلوقات شناخته شده و آسمانها و زمین مسخر او قرار داده شده‌اند (ابراهیم: ۳۳، نحل: ۱۲، حج: ۶۵، لقمان: ۲۰ و جاثیه: ۱۲ و ۱۳) و ثانیاً به عنوان خلیفه خدا در زمین معرفی شده است (بقره: ۳۰). لذا باید توجه داشت تا مصنوعات انسان، بر او، به ویژه از نظر روانی، سیطره و تسلط نداشته باشند. درواقع، انسان نباید خویش را مقهور ساخته خویش، و یا مقهور انسانی دیگر (سازنده شیئی به ویژه که آن شیء نمایشی از قدرت مادی باشد) احساس نماید. طبیعی است که ظهور و پذیرش و توسعه آسیب‌های ناشی از پسماندها یکی از نشانه‌های سیطره مصنوعات و شیوه‌های زیست انسان، بر انسان هستند.

- تداوم تاریخی: یکی از اصلی‌ترین نیازهای انسان، احساس ریشه داشتن در گذشته و امیدوار بودن به آینده است. قابل ذکر است که ارتباط با گذشته فقط حفظ ساختمانها یا برخی آثار مادی و کالبدی نیست، بلکه ارتباط فرهنگی با گذشته اصل مهم و مغفولی است که توجهی جدی را طلب می‌کند. بدون دخول در این مقوله که خود بحث مستقل و مستوفایی را طلب می‌کند، تنها به این نکته اشاره می‌شود که یکی از اصلی‌ترین وجوه این نوع ارتباط احساس ارتباط با گذشته از طریق شناخت اصول و ارزشها و روشها و روزآمد نمودن آنهاست.

- احساس پاکی و طهارت: پاکیزگی و بهداشت محیط مشتمل و متوجه بر همه عواملی خواهد بود که اولاً فاقد هرگونه پدیده مخرب و مضر به حیات انسان و محیط باشند، و ثانیاً ارتباط تنگاتنگی با زیبایی و دلپذیری محیط زندگی دارند. لذاست که می‌توان طیف وسیعی از فعالیت‌های انسانی و اثراتی را که بر محیط (اعم از طبیعی و مصنوع) می‌گذارند در این مقوله دسته‌بندی نموده و مورد مذاقه قرار داد. به تبعیت از تعالیم اسلامی و آنچه اندیشمندان مسلمان بیان نموده

اند توجه به بهداشت و پاکیزگی در محیطهای شهری از مسائل جدی مورد توجه مدیران شهری و شهروندان بوده و می‌بایستی نظارتی جدی و قانونی بر اجرای قوانین مربوطه اعمال می‌گردیده است.

- برنامه‌ریزی بومی: فراهم آوردن امکان تحقق برنامه‌ها و تحصیل اهداف آنها، به نوبه خود اتخاذ روشهایی را طلب می‌کند که از بطن مبانی نظری مربوطه استخراج شده باشند. این تأکید به آن دلیل است که اصولاً روشهای پاسخگویی به هر مقوله‌ای، به خصوص که مبتنی بر مبانی نظری جدیدی باشند. نیازمند تبیین و بنیاد نهاده شدن بر مبانی مبانی نظری خاص مقوله مورد نظر می‌باشند. توجه به این نکته لازم است که روشها و سیاستها و تشکیلاتی که قبل از ابداع روشها و برنامه‌های جدید، در جهت زندگی شهری و بهره‌گیری از طبیعت و خلاصه در زمینه حیات و فعالیتهای اجتماعی عمل می‌کردند، شکل گرفته بر پایه و اساس تفکر و آرائی هستند که آن گونه حیات و فعالیت را با ویژگی اصلی حداکثر بهره‌گیری از طبیعت و بدون توجه به عواقب آن توجیه می‌نمودند. لذاست که با آن تفکر و روشها امکان پیاده کردن سیاستهای جدید اگر نگوئیم ناممکن بلکه بسیار مشکل است. بنابراین، یکی از مهمترین گامهای اولیه عبارت از اصلاح تلقی جامعه و تصمیم‌گیران نسبت به عناصر و اعضاء متشکله محیط شهری و معرفی و بسط آراء مربوط به مبانی نظری مورد نظر با استفاده از تجارب بومی و ویژگیهای فرهنگی جامعه می‌باشند. پس از تبیین آراء و اصول و اصلاح سیاستها و طرز تلقی نسبت به محیط شهری، شناسایی و به کارگیری ابزار و مصالح مناسب و در خور هر زمینه‌ای ضرورت دارد. بدیهی است باید ابزار و مصالحی به کار گرفته شوند که ضمن پاسخگویی به نیازهای جامعه و اداره شهر بتوانند به اصول فرهنگی و ارزشهای جامعه نیز وفادار مانده و خدشه‌ای به آنها وارد نیاورند.

نتیجه‌گیری

به منظور تقلیل میزان تولید زباله، ضایعات و یافتن راههای بازیافت و استفاده حداکثر از انواع زباله‌ها، به نظر می‌رسد که موضوعات مختلف را تحت سه عنوان اصلی می‌توان طبقه‌بندی کرد، که اجمالاً مورد اشاره قرار خواهند گرفت. طبیعی است که در رأس همه موضوعات، جامع‌نگری و حاکمیت نگرش ملی (و فراتر از آن حاکمیت نگرش جهانی و انسانی) بر طرحها و برنامه‌ها و به ویژه تحقیقات و پژوهش‌ها ضرورت اولیه است. به هر حال، سه عنوان اصلی مورد نظر عبارتند از: "اصلاح وضع موجود و برنامه‌ریزی برای آینده"، "تعیین محورهای تحقیقاتی آتی" و "آموزش و فرهنگ‌سازی".

اصلاح وضع موجود و برنامه‌ریزی برای آینده: در روند اصلاح وضع موجود و تسریع در فرآیند برنامه‌های آینده، فرهنگ‌سازی و یا به عبارتی تغییر تلقی مردم نسبت به موضوعات مختلف مرتبط از قبیل طبیعت، بازیافت، زباله، تخریب محیط زیست، سرمایه‌های ملی و ... و همچنین هدایت جامعه به سمت مصرف صحیح (همراه با قناعت و صرفه‌جویی و

عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری) موضوعاتی هستند که می‌توانند در صدر توجهات قرار گیرند. امر آموزش عمومی و تغییر فرهنگ مصرف و تحوّل فکری مردم در این موضوعات از آن جهت اهمیت دارد که اجرای برنامه‌های مدیریتی نیازمند همکاری جدی مردم است. برنامه‌ریزی امر آموزش را بایستی در سطوح مختلف و برای گروههای اجتماعی مختلف تدوین نمود (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴).

محورهای تحقیقاتی آتی: از آنجایی که برنامه‌ریزی پژوهشی و تعیین محورها و عناوین تحقیقاتی برای موضوعی با مختصات مطالعه حاضر که واجد اهمیت و نو بودن و گستردگی و جامعیت خاص و منحصر به فردی است، خود نیازمند مطالعات همه‌جانبه و جامع است که از حوصله این مختصر خارج است، تنها به نکاتی اصلی اشاره می‌شود.

- یکی از مبانی تحقیقات را باید بر بومگرایی به معنای شناخت ویژگیها و شرایط محیطی و امکانات و تواناییهای اقالیم متفاوت کشور استوار نمود. این امر سبب خواهد شد تا اولاً از امکانات موجود حداکثر استفاده به عمل آمده و ثانیاً ابداعات وارداتی نیز در جهت پاسخگویی به نیازهای کشور استحاله و تغییر داده شوند.

- در راستای تدوین برنامه‌ای پایدار، نظام مدیریتی و خدماتی ویژه‌ای را می‌توان توصیه کرد که در جهت حفظ و توسعه منابع طبیعی، به استفاده صحیح از منابع و کاستن از ضایعات به حداقل ممکن و بازیافت ضایعات همّت گماشته، و با توجه به محیط زیست و کاستن از آلودگی آب و هوا و زمین، و هماهنگی با شرایط محیطی و اقلیم، محیطی متعادل را برای زیست انسان و دوام حیات سالم وی فراهم آورد.

- ملحوظ داشتن توان و ظرفیت محیط به همراه درسها و تجربی که از مطالعه و مصادیق تاریخ بومی به دست می‌آیند و تلفیق آنها با امکاناتی که فناوری جدید در اختیار انسان قرار داده است به همراه باور به خویش و اعتماد به نفس و رهایی از تقلید و احساس حقارت در برابر غیر، ابزاری برای تحصیل اهداف مورد نظر خواهند بود. باید توجه داشت که اصلی‌ترین وسیله مورد نیاز آموزش و تحقیق هستند.

- شناسایی ویژگیهای فرهنگی مرتبط و اهتمام در تقویت آنها در جهت اصلاح فرهنگ مصرف موجود ضرورتی انکار ناپذیر است. با ذکر این نکته که تحولات و دگرگونیهای فرهنگی با بخشنامه و قانون و مقررات امکان‌پذیر است و شیوه‌های خاص خویش را طلب می‌نمایند.

آموزش و فرهنگ‌سازی: هر یک از آحاد جامعه به نحوی در اجرای طرحها و برنامه‌ها دخیل هستند، و نتایج اجرای طرحها و برنامه‌ها نیز متوجه کیفیت زندگی آنان خواهد بود. بنابراین، حفظ و ارتقاء مداوم دانش و اطلاعات آحاد جامعه نسبت به عوامل و زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی در حد مطلوب اصل بسیار مهمی است که در صورت توجه لازم به

آن، جامعه خواهد توانست به سلامتی مطلوب در محیطی پایدار دست یابد، محیطی که ضمن تأمین حیات مطلوب برای جامعه امروز زمینه زندگی مناسب برای نسلهای آینده را نیز به وجود خواهد آورد. اهم عوامل و زمینه‌هایی که آموزش آنها به جامعه ضروری هستند عبارتند از: آشنایی با مبانی فکری و فرهنگی و دینی موضوعات مرتبط، آشنایی با قوانین و مقررات، آگاهی به وظایف و حقوق فردی و اجتماعی، شناسایی نقش طبیعت بر تداوم حیات انسان، توجه به تأثیر عناصر شهری بر ارتقاء کیفی حیات، و به طور خلاصه آشنایی با آنچه که زندگی شهری را تداوم و حیات می‌بخشد، و مهمتر از همه آشنایی مردم به نتیجه عدم توجه و خدشه در هر یک از این عوامل و زمینه‌ها و تأثیر منفی آن بر حیات اجتماعی و فردی مطلوب برای انسان. این امری طبیعی است که بسیاری و یا همه اشتباهات انسان ناشی از جهل او نسبت به عواقب و نتایج اعمالی است که به ظاهر برای سعادت و رفاه خویش انجام می‌دهد و البته فقدان باور و ایمان به عواقب و نتایج اعمال را نیز می‌توان در همین مقوله جهل طبقه‌بندی نمود. فی‌المثل آسیبی که از ناحیه توسعه صنعتی و بهره‌گیری بی‌رویه از منابع طبیعی و تخلیه ضایعات و آلودگیها در طبیعت، بر جوامع انسانی وارد شده است جملگی از جهل انسان در مورد آثار منفی آنها بوده است. هرچند منفعت‌طلبی برخی را در عین آگاهی‌شان به عواقب این گونه اعمال می‌توان مهم ارزیابی کرد، عدم آگاهی جامعه نقش اساسی را ایفا می‌نماید. زیرا اگر جامعه‌ای به نتیجه منفی عمل و برنامه‌ای آگاه باشد، امکان تخطی دیگران را نیز تقلیل خواهد داد، چرا که جامعه آگاه در برابر تخطی و خلاف، واکنش مناسب را از خویش نشان خواهد داد. بنابراین، یکی از اصول بسیار مهم حیات شهری و مدیریت شهری عبارت از آگاهی آحاد جامعه نسبت به نتیجه اجرای برنامه‌ها و طرحها و همچنین رفتارهای فردی است که در صورت وجود درجه بالایی از دانش، هم امکان ارتکاب اعمال مخالف توسعه و سلامت شهر از سوی افراد تقلیل می‌یابد و هم اینکه زمینه سوء استفاده احتمالی توسط افراد و گروههای بی‌توجه به اصول از بین خواهد رفت. این روند با رشد و توسعه برخی ارزشهای منبعث از تعالیم اسلامی در جامعه همچون عدالت، احسان، عزت، عبرت، امر به معروف، نهی از منکر، قناعت، اجتناب از اسراف و... تقویت خواهد شد. با این توضیح که امروزه معنای این ارزشها بسیار گسترده شده است.

آموزش عمومی که از بنیادی‌ترین موضوعات و ابزار تحصیل توسعه پایدار معرفی شده است از طرق مستقیم و غیرمستقیم قابل انجام است. طرق مستقیم به آموزش قوانین، به معرفی مختصات معماری و شهر و رابطه آنها با هویت و فرهنگ و روش زیست، به حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر، به حقوق متقابل مدیران شهر و شهروندان، و به جملگی آگاهی‌هایی که لازمه تداوم و حیات مدنی سالم است، می‌پردازد. طرق غیرمستقیم نیز به معرفی روشهای زندگی و محیط مناسب زندگی متوجه است.

منابع

۱. اعوانی، غلامرضا، حکمت هنر معنوی، نشر گروس، تهران، ۱۳۷۵
۲. امین‌زاده، بهناز و محمد نقی‌زاده، آرمانشهر اسلام: شهر عدالت، مجله صفه، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱
۳. پیرنیا، محمدکریم، شیوه‌های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹
۴. امام جعفر صادق (ع)، ترجمه ملا محمد باقر مجلسی، توحید مفضل، فقیه، تهران، ۱۳۵۹
۵. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (جلد ۲۲)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶
۶. داوری اردکانی، رضا، اسلام و علم دوستی، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۸
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان (جلد ۱۰)، دارالعلم، قم، بی‌تا
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان (جلد ۳۴)، محمدی، تهران، ۱۳۶۱
۹. کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی کویر، تهران، ۱۳۷۳
۱۰. گلشنی، مهدی، از علم سکولار تا علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷
۱۱. مطهری، مرتضی، مسأله شناخت، صدرا، تهران، ۱۳۶۷
۱۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، کلاله خاور، تهران، ۱۳۱۹
۱۳. نصر، سیدحسین، دین و بحران زیست محیطی، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی مجله نقد و نظر، شماره ۱ و ۲، سال پنجم، زمستان و بهار ۱۳۷۷-۸
۱۴. نصر، سیدحسین نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹
۱۵. نقی‌زاده، محمد، مبانی معنوی در آموزش علوم مهندسی، مجله آموزش مهندسی ایران، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰
۱۶. نقی‌زاده، محمد، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، انتشارات واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۴
۱۷. نقی‌زاده، محمد، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان، ۱۳۸۵
۱۸. نقی‌زاده، محمد، جایگاه فرهنگ اسلامی در آموزش هنر، معماری و شهرسازی، زیرچاپ
19. Naghizadeh, Mohammad. Principles of Sustainable Cities Based on Lessons from Traditional Knowledge. The First World Planning Schools Congress (WPSC 2001). 11-15 July. Shanghai. China. 2001a
20. Naghizadeh, Mohammad. Foundations of Sustain Development in Iranian Desert Cities. Proceedings of Conference on Sustainable Cities: Planning for the Future (SUSPLAN2001, 29 August - 1 September 2001). Newcastle. U K. 2001b